

رئیس‌انجمن ابراهیم زاده گرجی

## تسینم، تفسیر ما را خط

### گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین حسین شفیعی

نیازی به تفسیر داریم؟  
○ با نکته‌هایی که به صورت فشرده عرض می‌کنم، ضرورت این کار روشن می‌شود:  
نکته اول: خداوند تبارک و تعالی، نازل کننده قرآن و اولین قرآن‌شناس است. دیگران در پرتو عنایات خداوند با قرآن آشنا می‌شوند و آن را شناسایی می‌کنند. خداوند در آیه ۷۴ «سوره نساء» می‌فرماید: «یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نورا مبینا».  
می‌فرماید برای شما «نور مبین» نازل کردیم. «نور» و «مبین» دو نام برای قرآن‌اند. پس قرآن نور و روشنی است. اگر برای ما نامعلوم است، به دلیل حجابی است که در خدمان داریم و قادر به دیدن این نور و روشنایی نیستیم.  
نکته دوم: پیامبر اکرم (ص) به عنوان مظهر تام صفات فعل خداوند تبارک و تعالی، کار تعلیم، آموزش و تبیین قرآن را بر عهده دارد، تا هم قرآن و هم معارف قرآنی را آموزش بدهد. در سوره «نحل» آیه ۴۴ آمده است: «وانزلنا الیک الذکر

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی حدود سه دهه است که در ساعت مشخصی از پنج روز اول هفته در جمع کثیری از طلاب «حوزه علمیه قم» با پایه تحصیلات متفاوت، تفسیر قرآن تدریس می‌کند.  
متن این درس‌ها پس از آماده‌سازی، تدوین و بازبینی، تاکنون با نام «تسینم» در ۳۰ جلد چاپ و منتشر شده است.  
برای معرفی این اثر قرآنی معظم و روز آمد، روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت سال ۱۳۹۲ در قم خدمت حجت‌الاسلام والمسلمین حسین شفیعی رسیدیم. ایشان که از شاگردان آیت‌الله جوادی آملی است، بیست سالی است که در «مرکز بین‌المللی نشر اسرا» حضور دارد و عضو گروه آماده‌سازی تفسیر تسنیم برای چاپ و نشر است. گفت‌وگویی با ایشان تقدیم همکاران می‌شود.

● حاج آقا شفیعی، بفرمایید وقتی خداوند کریم، قرآن را خطاب به عموم مردم (ناس) نازل کرده است، دیگر چه

ناهماهنگی‌ها، تفاوت‌ها و حرف‌های ضد و نقیض در آن می‌توان یافت ولی در قرآن کریم که در مدت بیست و سه سال نازل شد، کوچک‌ترین اختلافی، در صدر و ذیل، وجود ندارد.

در آیه دیگری مخاطبان به تدبیر دعوت می‌شوند: «فلا يتدبرون القرآن ام على قلوب اقلها» (محمد/ ۲۴). آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟ بنابراین اجازه تدبیر و فهم قرآن به ما نیز عنایت شده است.

● **خداوند انسان‌ها را به تدبیر و تفکر در قرآن دعوت کرده است اما شیعه اعتقاد دارد که معصوم (ع) (پیامبر ص) و اهل بیت پیغمبر (ع) راهبر اصلی در تدبیر و فهم قرآن است. چه تفاوتی در فهم انسان‌ها و امامان معصوم (ع) وجود دارد؟ چگونه باید از فهم امامان معصوم بهره گرفت؟**  
○ اگر انسان هم در قرآن تدبیر می‌کند، باید با راهنمایی و هدایت اهل بیت (ع) باشد. بدون راهنمایی و کمک اهل بیت (ع)، چه بسا انسان قادر به تدبیر در قرآن نباشد یا ممکن است به انحراف کشیده شود. به‌ویژه باید به این نکته توجه داشت که روش اهل بیت (ع) در تفسیر قرآن، تفسیر قرآن به قرآن بوده است و مفسران را نیز به همین روش ارجاع داده‌اند.

به تعبیر حضرت استاد جوادی آملی (حفظه‌الله)، تفسیر قرآن به قرآن نمی‌تواند تفسیر معجمی باشد. یعنی کتاب معجم را برداریم، دنبال واژه مورد نظر بگردیم و به اعتبار تکرار آن در آیات، بخواهیم قرآن را تفسیر کنیم.

اگر بخواهیم چنین کاری کنیم، برای مثال، باید بدانیم که در قرآن در آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) تفسیر در شأن اهل بیت (ع) آمده است و در جای دیگری داریم: «لا یمسه الا المطهرون» (واقع/ ۷۰). یعنی فقط «مطهرون» قادر به مس قرآن‌اند. بنابراین «مطهرون»، اهل بیت‌اند و فقط اهل بیت (ع) قادر به تفسیر قرآن‌اند. بدین ترتیب با کنار هم قرار دادن این دو آیه، انحصار تفسیر در اختیار اهل بیت (ع) قرار می‌گیرد.

### ● تفسیر قرآن به قرآن چه ویژگی‌هایی دارد؟

○ مرحوم علامه طباطبایی تفسیر قرآن به قرآن را در «المیزان» عینیت بخشیدند. این نوع تفسیر، احاطه و اشرف کامل مفسر را به الفاظ و آیات قرآن می‌طلبد. مفسر باید کاملاً به محتوا و مفهوم آیات اشرف داشته باشد تا بتواند آیات متناسب را کنار هم قرار دهد و استفاده لازم را در آن‌ها ببرد. این روشی است که از اهل

لتبین للناس ما نزل الیهیم: قرآن را، بر شما (پیامبر ص) نازل کردیم تا آنچه را که برای مردم نازل کردیم، تبیین کنی.

در «سوره بقره»، آیه ۱۵۱، یکی از سمت‌های پیغمبر (ص) تعلیم و آموزش قرآن است: «كما ارسلنا فیکم رسولاً منکم یتلوا علیکم ایتنا و یرکبکم و یعلمکم الکتب والحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون». این سمت در آیات متفاوت قرآن بیان شده است.

نکته سوم: اهل بیت پیغمبر (ص) که به تعبیر قرآن در آیه ۶۱ «سوره آل عمران» (آیه مباهله) نفس پیغمبر اکرم (ص) شمرده شده‌اند، همین سمت تعلیم را دارند. زیرا امام باقر (ع) هم به قتاده فرمود:

«انما يعرف القرآن من خوطب به» (کافی، ج ۸: ۳۱۱).

یعنی اهل بیت پیغمبر (ص) جزو مخاطبان قرآن‌اند و قرآن را کسی می‌شناسد که مخاطب آن باشد. لذا نتیجه می‌شود که اهل بیت هم سمت تعلیم و آموزش قرآن را دارند.

بعد امام باقر (ع) از قتاده پرسید: «شنیده‌ام تفسیر قرآن می‌گویید»

قتاده جواب مثبت داد. امام (ع) فرمود: «از روی علم، تفسیر قرآن می‌گویی یا از روی جهل؟»  
قتاده پاسخ داد: «از روی علم».

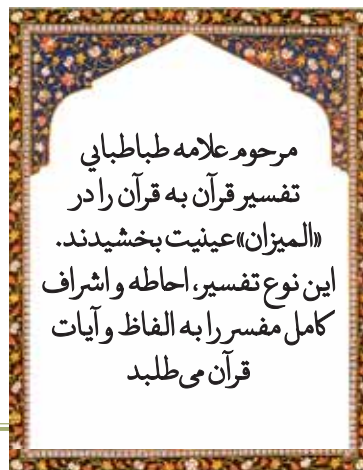
بعد امام باقر (ع) از قتاده منظور آیه‌ای را می‌پرسد. قتاده نظر خود را درباره تفسیر آن بیان می‌کند. اما امام باقر (ع) می‌گوید: «منظور آیه، آن چیزی را که گفتید نیست».

بعد خودشان منظور از آن آیه را بیان می‌دارند. و در ادامه اضافه می‌کنند: «ما اهل بیت (ع) قرآن را می‌فهمیم. این‌طور نیست که هر کس بتواند آیات قرآن را متوجه شود و تفسیر کند».

نکته چهارم: مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: درست است که پیغمبر (ص) فرمودند مأمور تبیین قرآن هستند و اهل بیت (ع) جانشینان پیغمبر (ص) نیز چنین مأموریتی دارند ولی منافاتی ندارد که بعد از خداوند تبارک و تعالی و پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع)، اجازه داشته باشیم در قرآن

تدبیر کنیم و آن را بفهمیم. لذا به ما هم اجازه فهم قرآن را داده‌اند، زیرا در خود قرآن آمده است: «فلا يتدبرون القرآن» (نسا/ ۸۲). و در ادامه آیه دارد: «ولو کان من عند غیرالله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً»: آیا در قرآن درباره قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از سوی غیر خدا بود، اختلافات فراوانی در آن می‌یافتند.

به تعبیر حضرت استاد جوادی آملی، اگر کتابی در طول ۲۳ سال تدوین شود، به‌طور طبیعی



بیت(ع)، به مفسران به ارث رسیده است.

پیغمبر(ص) در روایتی فرمود: «ان القرآن لیصدق بعضه بعضاً فلا تکذبوا بعضه بعض» (کنز العمال، ج ۱: ۶۱۹): در قرآن، بعضی از آیات بعضی دیگر را تصدیق می‌کنند و بعضی از آیات را با بعضی دیگر تکذیب نکنید.

امیرالمؤمنین (ع) در «نهج البلاغه» فرموده است: «ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳) که نشان می‌دهد تفسیر قرآن به قرآن روش اهل بیت(ع) است و آنان ما را با این روش آشنا کرده‌اند.

حضرت استاد جوادی آملی می‌فرمودند مرحوم علامه طباطبایی زمانی که در تبریز بودند، تفسیرالمیزان را در دو جلد نوشتند. بعد که به قم مشرف شدند، تفسیر را به‌عنوان درس رسمی در حوزه شروع کردند و آن دو جلد به بیست جلد تبدیل شد، آن هم با محتوایی بسیار بلند. تفسیری که توانست برخی از تفاسیر وهابیت را از دور خارج کند. می‌دانید که برخی از تفاسیری که با روش تفکر وهابی، نگارش یافته بودند، قبل از تفسیرالمیزان در محافل علمی مطرح بودند.

● **لطفاً به نمونه‌ای شاخص از این نوع تفسیر اشاره بفرمایید.**

○ مثل «تفسیر المنار»، تألیف رشید رضا. وی شاگرد محمد عبده بود. رشیدرضا، در بخش‌هایی از المنار، در محضر محمد عبده شاگردی کرد و آرای استادش را به نمایندگی در المنار آورد. تا آن حد که به یاد دارم، تا چند آیه از سوره نساء، همان فرمایشات استادش محمد عبده است. پس از آن، تفسیر المنار همان فکر و آرای رشید رضاست. این تفسیر که تفسیر تمام قرآن را ندارد، در دوازده جلد منتشر شد.

حضرت استاد جوادی آملی از علامه طباطبایی نقل کردند که این تفسیر بسیاری از معجزات قرآنی را نفی می‌کند. می‌شود گفت تقریباً معجزات قرآن را انکار کرده است. با این حال با روش مخصوصی که دارد، در آن زمان تفسیر روزآمدی به حساب می‌آمد. پس از آنکه تفسیرالمیزان چاپ و منتشر شد و به محافل علمی راه پیدا کرد، تفسیر المنار را به حاشیه راند و با دیگر تفاسیر مفسران اهل سنت نیز چنین کرد؛ زیرا تفسیرالمیزان، تفسیری زنده و به روز بود و با گذشت حدود پنجاه سال، هنوز هم زنده است و بنا به فرموده مکرر حضرت استاد جوادی آملی، می‌تواند به بسیاری از مشکلات اجتماعی و شبهات کنونی جواب بدهد.

● **با این ویژگی که تفسیرالمیزان دارد، چه ضرورتی دارد که تفسیرهای جدید نگارش یابد و منتشر شود؟**

○ قرآن مانند خورشید و ماه که تا زنده‌اند، هر روز و شب می‌تابند، همیشه تازه است. به علت همواره تازه بودن قرآن، پس تفسیر آن هم باید همواره تازه باشد و نو به نو عرضه شود تا بتواند به شبهات روز پاسخ دهد. تفسیر علامه طباطبایی

هنوز پس از حدود پنجاه سال جایگاه خودش را دارد.

● **گویا مرحوم شهید استاد مرتضی مطهری این تعبیر بلند را درباره المیزان دارد که در قرون بعد باید ارزش آن را درک کرد.**

○ تا آنجا که به یاد دارم، مرحوم مطهری درباره خود علامه طباطبایی این تعبیر را دارد که ایشان عنصر ناشناخته‌ای است و صد سال باید بگذرد تا شناخته شود. این نشان می‌دهد که مرحوم علامه، در تفسیرالمیزان، مؤید خداوند تبارک و تعالی بوده‌اند و خلوص وی سبب شده است که تفسیرش همچنان زنده باشد.

● **برسیم به تفسیر تسنیم آیت‌الله جوادی آملی. درباره این تفسیر و شیوه کار مفسر آن بفرمایید.**

○ حضرت استاد جوادی آملی (حفظه‌الله)، تفسیرش را بر مبنای تفسیر المیزان بنا نهادند. ایشان بارها می‌فرمودند تفسیری که اکنون به شکل تفسیر تسنیم تدوین و عرضه می‌شود، «المیزان فارسی» است و نه «فارسی المیزان». لذا نباید اشتباه کرد که ترجمه فارسی المیزان است. علاوه بر آنکه فرمایشات علامه در آن هست، نکات دیگری هم دارد. از جمله به شبهات روز هم پاسخ می‌دهد و در کل تفسیر بروز و روزآمدی است.

تفسیر به‌صورت رسمی در حوزه تدریس نمی‌شد، اما حضرت استاد با تدریس تفسیر تسنیم، به آموزش تفسیر در حوزه صورت رسمی دادند.

● **این کار از چه زمانی شروع شد؟**

○ از سال ۱۳۶۰ یا ۱۳۶۱ حضرت استاد تدریس تفسیر را شروع کردند.

● **آیا تفسیر موضوعی استاد جوادی آملی مقدم بر تفسیر تسنیم است؟**

○ تفسیر موضوعی، هم‌زمان با تفسیر تسنیم آغاز شد. تفسیر موضوعی حاصل جلساتی در صداوسیما و در برخی از رسانه‌هاست که به‌صورت کتاب تدوین شد. استاد ابتدا تفسیر تسنیم را در «مسجد محمدیه» (قم) در کنار بارگاه حضرت معصومه (س) شروع کردند، اما به دلیل استقبال خوبی که از این درس شد و مسجد محمدیه گنجایش شرکت‌کنندگان را نداشت، به مسجد اعظم منتقل شد و هنوز هم در همان‌جا ادامه دارد.

● **گویا درس تفسیرشان پنج روز در هفته (از شنبه تا چهارشنبه) در ساعت مشخصی برگزار می‌شود.**

○ درست است. از ابتدای کار تفسیر تاکنون حضرت استاد درس را ساعت ۱۱ صبح، یعنی یک ساعت مانده به ظهر، شروع می‌کند. می‌توانم بگویم هیچ درس تفسیری به این شکل در حوزه علمیه ارائه نشده است؛ درسی که سه دهه از عمر آن می‌گذرد و هنوز بر منوال روزهای اول و به‌صورت مرتب و منظم ادامه دارد و بسیار هم پربار است.



اخیراً تفسیر به عنوان درس  
جنبی در برنامه تحصیلی طلاب  
گنجانده شده است و بسیاری  
از شاگردان حضرت استاد  
جوادی آملی این درس را در  
جلسه های خیلی کوچک تر  
تدریس می کنند

استاد در درس تفسیر خود مباحث اخلاقی، عرفانی، ادبی و گاه عقلی را مطرح می کند و همگان به نوعی از آن بهره می برند. به تعبیر ایشان، افرادی که در درس تفسیر شرکت می کنند، هدف های متفاوتی دارند. عده ای در آینده می خواهند قاضی شوند، لذا یک نوع برداشت دارند، عده ای ممکن است بعدها امام جمعه شوند، عده ای در پی آن اند که امام جماعت شوند و هر کس

که باید تا می توانیم از آن بهره بگیریم: القرآن مآءدبه الله فتعلموا مادته ما استعطعتم.» به همین دلیل حضرت استاد، محور اصلی فعالیت های علمی و تبلیغی خود را قرآن و تفسیر قرار داده اند. بسیاری از جلسات و کارهای علمی را نمی پذیرند تا بتوانند تفسیر تسنیم را به سرانجام برسانند.

به صورتی از درس برداشت خود را می کند..

● درباره نام تفسیر تسنیم که برگرفته از قرآن کریم است،

توضیح بفرمایید.

○ «تسنیم» در «سوره مطفین» آمده است؛ آنجا که درباره «ابرار» سخن می گوید: «ان الابرار لفی نعیم» (آیه ۲۲). بعد می فرماید: یسقون من رحیق مختوم، ختمه مسک و فی ذلک فلیتنا فس المتنافسون» (آیات ۲۵ و ۲۶). و در آیه ۲۷ آمده است: «و مزاجه من تسنیم.» در آیه ۲۸ هم تسنیم معنا می شود: «عیناً یشرّب بها المقربون.» پس تسنیم نام چشمه ای در بهشت است که قربان الهی از این چشمه می نوشند. پیغمبر اکرم (ص) هم فرمود: «تسنیم اشرف شراب فی الجنه.» تسنیم بالاترین شراب در بهشت است. «بشربه محمد و آل محمد» که محمد و آل محمد (ص) از آن می نوشند. «و یمزج الاصحاب الیمین و لسائر اهل الجنه»؛ و نوشندگان دیگر از چشمه تسنیم عبارت اند از اصحاب یمین که نامه عملشان به دست راست آنان داده می شود و به دیگرانی که ساکن بهشت اند، مقداری از این شراب تسنیم چشانده می شود. در حقیقت شراب تسنیم، مخصوص محمد و آل محمد (ص) است و دیگران هم بهره ای از آن دارند.

چرا این نام انتخاب شد؟ حضرت استاد به کرات می فرماید: باید کاری کنیم که آیات شریفه در جامعه عینیات پیدا کنند. نام کتاب هایش را نیز از آیات شریف قرآن انتخاب می کنند. اسم مؤسسه نیز به همین صورت انتخاب شده است: «مؤسسه اسرا» یا «پژوهشکده بین المللی معارج». «معارج» نام سوره هفتم قرآن است. «رحیق مختوم» نام یکی از کتاب های ایشان در علوم عقلی است.

● مفسران در تفسیر از منابع متفاوتی استفاده می کنند. منابع اصلی برای مفسران شیعه اول قرآن، بعد روایات معصوم (ع) و سپس عقل است. در دوره معاصر، علم نیز نزد عده ای جایگاه خاصی یافته است. بفرمایید گذشته از جایگاه ممتاز قرآن و روایات اهل بیت (ع) آیت الله جوادی آملی در تفسیرشان از عقل و بعد علم تا چه حد استفاده می کنند؟

با این حال ایشان مکرر در درس شان، توجه طلاب را به این نکته جلب می کنند که آنان باید درس تفسیر را، درس رسمی بدانند و همان طور که برای فقه و اصول سرمایه گذاری می کنند و برای این درس ها، مطالعه و پیش مطالعه دارند، برای درس تفسیر هم باید به همین صورت عمل کنند تا قرآن را از مهجوریت در آورند. بارها فرموده اند که علت مهجور بودن قرآن در جامعه این است که قرآن در حوزه علمیه مهجور است؛ زیرا در حوزه بیشتر به مباحث فقهی و به تبع آن به اصول که مقدمه فقه است، توجه می شود و به درس تفسیر توجه ندارند. بسیاری از حوزویان تصور می کنند، هر کس خودش می تواند در این زمینه مطالعه کند.

● آیا درس تفسیر دیگری غیر از درس تفسیر آیت الله جوادی آملی در حوزه دایر است؟ به طور کلی تفسیر قرآن در حوزه علمیه چه جایگاهی دارد؟

○ اخیراً تفسیر به عنوان درس جنبی در برنامه تحصیلی طلاب گنجانده شده است و بسیاری از شاگردان حضرت استاد جوادی آملی این درس را در جلسه های خیلی کوچک تر تدریس می کنند. تصور برخی این است که خودشان می توانند مطالعه کنند و احتیاج به نشستن در کلاس درس تفسیر ندارند. اما چنین تصویری درست نیست. همان طور که حضرت استاد و مفسران دیگر می گویند، باید درس تفسیر به عنوان درس رسمی در محافل علمی مطرح شود، زیرا آیات قرآن کریم چنان غنایی دارند که باید هر چه بیشتر کندوکاو شوند. این کندوکاو باید توسط مفسری با تفکر عمیق صورت گیرد؛ زیرا به تعبیر امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه، قرآن عمیق است. در این صورت از آیات شریفه می توان بهره بیشتری برد، زیرا مفسری که دقیق النظر و با تفکر عمیق باشد، قادر است آیات را از ابعاد گوناگون ادبی، بیانی، بدیع، لغت و دیگر ابعاد بشکافد و به بطون آیات برسد. به تعبیر معصوم (ع)، قرآن سفره ای الهی است

○ مرحوم علامه طباطبایی در جاهایی از «المیزان» که مباحث عقلی را آورده، آن را از مباحث تفسیری جدا کرده است. با مباحث علمی نیز به همین شیوه برخورد کرده و این بحث‌ها را ذیل «بحث علمی» یا «بحث فلسفی» گنجانده است. حضرت استاد جوادی آملی هم اگر به این مباحث در تفسیر تسنیم پرداختند، آن‌ها را در جایگاه خاصی قرار داده و با بحث‌های تفسیری نیامیخته است. در نتیجه می‌توان گفت: تفسیر تسنیم نه تفسیر روایی محض است، نه تفسیر فلسفی محض و نه تفسیر علمی محض، ولی به همه این مباحث توجه کرده است. برای ما مباحث عقلی و فلسفی در بسیاری از زمینه‌ها، راه‌گشاست.

می‌دانیم که کسانی، قرآن را به‌عنوان کتاب حجت به رسمیت نمی‌شناسند. پس هنگام گفت‌وگو و بحث با این افراد باید از زاویه مباحث عقلی وارد شد و برهان عقلی آورد. بنابراین، این تفسیر هم به مباحث عقلی و هم به مباحث علمی توجه شده است و هر دو موضوع جایگاه خود را دارند.

● در دوره معاصر، استفاده از علوم جدید و نتایج آن، خیلی محل مناقشه بوده است. در ایران نیز چنین بحث‌هایی مطرح شده‌اند. آیا در تفسیر تسنیم، رویکرد خاصی برای استفاده از نتایج علوم جدید وجود داشته است؟ این استفاده می‌تواند از بُعد تنقید هم باشد؛ زیرا برخی از شبهات روزآمد و رایج امروز از همین منبع آب می‌خورند. حال اگر علوم محض و علوم طبیعی مورد توجه نباشند، می‌توان به علوم انسانی از جمله روان‌شناسی اشاره داشت که با رفتارشناسی انسان و اخلاق ارتباط پیدا می‌کند.

○ باید توجه داشت که برخی از تفاسیر معاصر، در وضعیت «علم‌زدگی» پدید آمدند. اما حضرت استاد به اندازه مورد نیاز و با هدف پرده برداشتن از آیات شریفه قرآن، از این بحث‌ها استفاده کرده‌اند. گاهی اصطلاحات آن علم را نیز در تفسیر آورده‌اند.

● اگر نمونه و مصداقی را به یاد دارید، بفرمایید.

○ متأسفانه حضور ذهن ندارم که نمونه بیاورم اما حضرت استاد توجه داشته‌اند که دچار افراط و علم‌زدگی نشوند، در برخی از تفاسیر تلاش شده است که آیات شریفه را با علوم روز تطبیق دهند و نتیجه گرفته‌اند که مقصود از آیه شریفه، فلان نتیجه یا فلان فرضیه علمی است. غافل از اینکه گاهی فرضیه زیربنای درستی ندارد و فقط در حد یک احتمال مطرح می‌شود و بعد از مدتی، خلاف آن ثابت می‌شود.

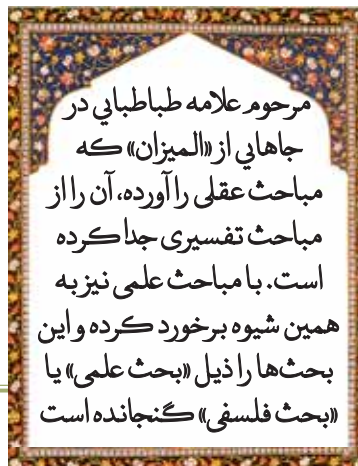
چنین مواردی را در این تفسیر نمی‌بینید ولی جاهایی که با موضوع‌های روز ارتباط می‌یابند، از علومی مثل روان‌شناسی بهره گرفته شده است. یکی از دوستان همکار ما در این مرکز که روان‌شناسی کار کرده است، وقتی تفسیر را مطالعه می‌کند، بحث‌های روان‌شناسی را یادآور می‌شود. به هر حال در حد ضرورت، حضرت استاد به مباحث روز عنایت دارند.

● مرحوم علامه طباطبایی در المیزان، در جاهایی به نقد آرا و حتی نقد روایات می‌پردازد. آیا در تسنیم چنین رویکردی وجود دارد؟

○ در تسنیم، پس از آنکه تفسیر آیه روشن می‌شود، بخشی زیر عنوان «لطایف و اشارات» می‌آید. معمولاً در این بخش و گاهی در بخش تفسیر، نظرها و دیدگاه‌های موجود درباره آن آیه، به‌ویژه دیدگاه برخی از مذاهب مثل «مذهب اشعری» یا «مذهب اعتزال» آمده است. از جمله آرای فخر رازی در تفسیر «مفاتیح الغیب»، فخر رازی قائل به جبر است. وی در تفسیر بسیاری از آیات، آن‌ها را شاهدهی بر اندیشه خود می‌داند. گاهی حضرت چنین مواردی را مطرح می‌کند و به آن‌ها پاسخ می‌دهد. با عقاید معتزله هم همین رفتار را دارد. بسیاری از آرای رشیدرضا در «تفسیر المنار» را نیز نقل و نقد می‌کند به آرای دیگران که در تفاسیر یا غیر تفاسیر آمده است، در جای مقتضی می‌پردازد. این آرا را گاهی نقد می‌کند، گاهی نیز می‌پذیرد و تأیید می‌کند.

● از معصوم روایت داریم که کتاب خدا، چهار بعد و جنبه دارد و هر بعد آن مقتضی فهم گروهی از انسان‌هاست. جنبه عبارت یا بیان، متناسب با فهم مردم عادی است. جنبه اشاره یا فهم خواص و روشن‌فکران متناسب است. جنبه لطایف قرآن، ویژه حکما و عرفاست، و بعد حقایق آن که ژرف‌ترین بعد آن به حساب می‌آید مختص انبیای الهی، در تفسیر تسنیم، محور اصلی توجه آیت‌الله جوادی آملی کدام جنبه است؟ به عبارت دیگر، این تفسیر کدام یک از اقسام را مخاطب اصلی خود قرار می‌دهد؟

○ حضرت استاد جوادی آملی فرمودند که ذیل هر آیه مباحثی هست که دیگران هم گفته‌اند و مفسرانی نیز در تفسیرشان آورده‌اند. اما مباحثی وجود دارند که نمی‌توان از ظاهر آیه استفاده‌ای کرد، بلکه باید باطن آیه را شکافت. ایشان این مباحث را با عنوان «لطایف و اشارات» ذکر می‌کنند. این موارد که دیگران به آن‌ها نپرداخته یا کمتر پرداخته‌اند. حرف‌های نو است. چنین بحث‌هایی که بیشتر در حد فهم خواص است در



تفسیر نمی‌آید بلکه ذیل «لطایف و اشارات» تدوین می‌شود. هنگام بحث روایی که ذیل هر آیه می‌آید، گاهی ائمه (ع)، آیات را به مورد خاص تطبیق کرده‌اند. حضرت استاد هم به روایت می‌پردازد و توضیح می‌دهد که درباره چیست. همین‌طور یادآور می‌شود که آیا موافق با نگاهشان در تفسیر است یا نیست. نکته قابل توجه در بحث‌های روایی این است؛ موارد ذیل اشاره در گفتار تفسیری‌شان در مسجد اعظم نیست، اما هنگامی که متن از نوار پیاده و آماده چاپ می‌شود، ایشان سطر به سطر آن را مطالعه می‌کند و به اصلاحات لازم می‌پردازد. در جاهایی که تشخیص بدهد نکته‌ای لازم است، اضافه می‌کند. از جمله ذیل روایات، اشاره می‌نویسد. به‌طور کلی می‌توان گفت، بحث روایی ذیل اشارات هم به خواص مربوط می‌شود و برای عموم مردم شاید قابل استفاده نباشد.

● **جناب آقای شفیعی، با عنایت به آنچه فرمودید، این تفسیر بحث‌ها و گفتارهای مختلفی از ادبیات تا فقه و فلسفه را دربر دارد. روشن بفرمایید محور با محورهای اصلی و شاخص به مقتضای تفسیر هر آیه و سوره مشخص می‌شود، یا حضرت استاد، از ابتدا محورهای اصلی و اساسی را برای تفسیر تسنیم طراحی کرده‌اند و موضوع‌ها و گفتارهای فرعی، حول محورهای اصلی حرکت می‌کنند؟**  
○ محور و مبنای اصلی کار، تفسیر شریف المیزان است و حضرت استاد به روال المیزان تفسیر می‌فرماید نکات زیادی هم از المیزان نقل می‌کند. بیشتر این نکات را هم ضمن تأیید، شرح و بسط می‌دهد. خیلی کم اتفاق می‌افتد که ایشان با نظر مرحوم علامه طباطبایی موافق نباشد یا احیاناً نقدی بر آن داشته باشد. البته نقد خود را بسیار مؤدبانه مطرح می‌کنند.

● **تفسیر تسنیم با چنین حجم و گستردگی، می‌طلبید جمعی با مفسر دانشمندش همکاری و مقدماتی را فراهم کنند و قبل از اینکه جلسه درس تفسیر درباره سوره، آیه یا موضوعی برگزار شود، احتمالاً لازم است کسانی در جمع آوری مواد اولیه و به اصطلاح مواد خام به استاد مدد برسانند. آیا چنین برنامه‌ای اجرا می‌شود؟**

○ چنین فکری را دوستان مطرح و به حضرت استاد پیشنهاد کرده‌اند. دوستان گفتند، برای اینکه درس تفسیر و مقدمات آن و مطالعات لازم، فرصت زیادی را از ایشان نگیرد و به تعبیر آقایان، تفسیر «غناي بیشتری» بیابد، ما بیایم بحث‌های موضوع مربوط را از تفسیرهای متفاوت با مشخصات کامل استخراج و در اختیارشان قرار بدهیم. زیرا ایشان می‌فرمود که برخی از تفاسیر را با جلد‌های رحلی

قدیم دارد که با مطالعه چند صفحه، مطلب خاصی به‌دست نمی‌آید. استاد ابتدا پذیرفت ولی بعد از این کار استقبال نکرد. گویا می‌خواستند بگویند، روش سنتی کار، روش بهتری است.

اما در مرحله بعد از جلسه درس تفسیر که حضرت استاد آنچه می‌خواستند بیان می‌کردند و باید متن از حالت گویشی، به صورت نوشتاری درمی‌آمد و نکاتی به اقتضای زمان و مکان یا حضار به متن افزوده می‌شد. نیاز به تشکیلاتی داشت که به‌وجود آمد. در این تشکیلات حدود پانزده نفر از دوستان مشغول کار هستند و مراحل آماده‌سازی متن از پیاده کردن روی کاغذ تا آماده کردن متن برای عرضه را پی می‌گیرند.

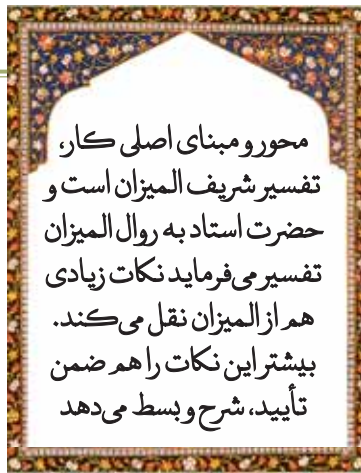
تأکید می‌کنم که بعد از این مرحله، ایشان متن را می‌بینند و اصلاح می‌کنند. ایشان می‌فرمایند در جلسه درس مطالبی گفته می‌شود که هنگام تدوین برای چاپ باید حذف شوند.

● **آیا متن ویرایش می‌شود و ویراستار و سرویراستار دارد؟**  
○ بله، متن ویرایش می‌شود و حتی کاری بیشتر از ویرایش انجام می‌گیرد. برای مثال، ممکن است همه مباحث مربوط ذیل یک آیه نیامده باشد. آن موارد مطرح می‌شوند که آیا ذیل آیه بیابند یا خیر. گاهی استاد می‌پذیرند و گاهی نمی‌پذیرند.

گاهی برخی از مباحث در جلسه درس مطرح نمی‌شوند، مثل موضوع تناسب آیات. یا پیوند مفهومی آیات در درس مغفول واقع می‌شود. پس از بررسی، تناسب یا عدم تناسب آیات قبل و بعد با هم مشخص می‌شود. به همین علت زمان تدوین متن چنین مواردی زیر عنوان «تناسب آیات» می‌آید. «گزیده تفسیر» عنوان دیگری است. حضرت استاد

معتقدند که، قرآن ترجمه‌پذیر نیست. زیرا واژه‌های زبان فارسی نمی‌توانند حلاوت، گویایی و گستردگی واژه‌های عربی را در ترجمه منتقل کنند. لذا اگر بخواهیم ترجمه‌ای از قرآن به‌دست بدهیم، باید این کار پس از تفسیر تحقق یابد و تفسیر را به‌عنوان ترجمه آیه بپذیریم. به همین علت قبل از آمدن بحث تفسیری در کتاب، گزیده تفسیر هر آیه تهیه و در ابتدا زیر عنوان «گزیده تفسیر» می‌آید. این کار توسط یکی از همکاران گروه انجام می‌گیرد که وظیفه تدوین مباحث تفسیری آن آیه را بر عهده دارد. همین گزیده و عصاره تفسیر در حقیقت ترجمه آیه به حساب می‌آید. اتفاق می‌افتد که برخی از بحث‌های روایی ذیل آیه موجود نیست. پس از مشخص شدن موارد مربوط، استاد به شخصه ذیل هر مبحث، مطالب مورد نظرشان را می‌افزایند.





**محور و مبنای اصلی کار،  
تفسیر شریف المیزان است و  
حضرت استاد به روال المیزان  
تفسیر می فرماید نکات زیادی  
هم از المیزان نقل می کند.  
بیشترین نکات را هم ضمن  
تأیید، شرح و بسط می دهد**

می دانیم که جلسه درس حال و هوای خود را دارد. مثلاً زمانی استاد مشغول تشریح موضوعی است، ناگهان یکی از حضرات طبق روال جلسات درس حوزه علمیه اشکالی را طرح می کند. حضرت استاد به ناچار، بحث قبلی را قطع می کنند و به اشکال می پردازند. خب بحث قبلی ناتمام می ماند. دوستان با ایشان در میان می گذارند و حضرت استاد آن را کامل می کنند. احتمال دارد

شبهاتی طرح نشده باشد، آن شبهه‌ها نیز توسط همکاران تعیین می شوند تا استاد در تنظیم نهایی به رفع شبهه اقدام کنند. به همین دلیل عرض کردم که ویراستاری تنها کار هنگام تدوین متن نیست.

● بنابراین در تمام موارد، حضرت آیت الله متن نهایی را آماده می کنند. درست است. تفسیر تسنیم به فارسی تدریس و بعد هم به زبان فارسی تدوین و چاپ و منتشر می شود که برای زبان فارسی نعمتی است. اما المیزان به این دلیل که به زبان عربی نگارش شد، زود هم در میان عرب زبان‌ها رواج یافت و بازتاب گسترده و مثبتی پیدا کرد. برای اینکه تفسیر تسنیم نیز مخاطبان بیشتری بیابد و به ویژه در جهان اسلام به دست دانشمندان و علما برسد و حق آن در جامعه بزرگ اسلامی ادا شود و نیز شاهد باز خورد آن باشیم، آیا به ویژه به زبان عربی و بعد به زبان‌های دیگر ترجمه می شود؟

○ قبل از پاسخ دادن به این پرسش، به این نکته اشاره کنم که گاهی افرادی به حضرت استاد می گویند حال که شما این تفسیر را برای استفاده خواص نوشته‌اید، چرا به عربی ننوشته‌اید. ایشان می فرمایند: زبان ما زبان فارسی است و این زبان به گردن بسیاری از ما حق دارد. انقلاب اسلامی هم که محور انقلاب و بیداری جهان اسلام است، از ایران شروع شد. لذا این زبان باید در دنیا مطرح شود و با این هدف تفسیر تسنیم را به زبان فارسی نوشته تا فارسی زبان‌ها بیشتر استفاده کنند.

خوشبختانه این تفسیر به عربی ترجمه می شود تاکنون چند جلد آن به عربی ترجمه شده است و این کار ادامه دارد.

● آیا ترجمه‌ها چاپ هم شده‌اند؟

○ تاکنون چهار جلد را چاپ کرده‌ایم.

● آن‌ها را در ایران چاپ می کنید؟

○ بله، همین جا چاپ می شوند. البته برخی از کتاب‌های حضرت استاد در لبنان ترجمه و در همین کشور چاپ

شده‌اند. در پاکستان هم برخی از آثار به اردو ترجمه و منتشر شده‌اند.

● اگر بخواهید آن‌ها را به زبان انگلیسی و فرانسه برگردانید، همین حجم فارسی مورد نظر است یا فشرده‌ای از هر جلد را ترجمه خواهید کرد؟

○ هیتتی که وظیفه چنین کاری را برعهده دارد، باید نظر بدهد. البته نباید آن را لفظ به لفظ و در همین

حجم ترجمه کرد و کافی است خلاصه‌ای از مجموعه کار تهیه شود. باید به اطلاع برسانم، قرار است ضمن تدارک تلخیصی از تفسیر تسنیم، تفسیر روانی هم تهیه شود و در آن مواد و بحث‌هایی بیاید که بیشتر حوزویان از آن‌ها استفاده می کنند. این کار شروع شده و تا حدودی پیش رفته است. همچنین مقرر شده است براساس تفسیر تسنیم، تفسیر روان، روشن و گویایی برای قشر جوان تهیه شود.

● آیا تاکنون مجلاتی از این تفسیر تجدید چاپ هم شده‌اند؟

○ بلی!

● پس می توانم بپرسم اگر صاحب نظران نکاتی را یادآوری کنند یا انتقادی درباره موضوع و بحثی داشته باشند و این نظرها به استاد برسد و مواردی را استاد پذیرفته باشند یا سبب شود که نکته‌های تازه و بدیع به نظرشان بیاید، آیا در تجدید چاپ اصلاح می کنند؟ آیا تا به حال چنین کاری شده است؟

○ تاکنون اصلاحات خیلی جزئی بوده است. اما همان طور که فرمودید، بسیاری از صاحب نظران درباره این تفسیر نظراتی دارند و احیاناً برخی از اشکالات جزئی را مطرح می کنند ولی تا به حال اصلاحات گسترده نبوده‌اند که چاپ‌هایی با ویراست جدید ضرورت یابند.

● در این صورت باید همین اصلاحات و تغییرات (جزئی یا کلی) در ترجمه هم اعمال شوند.

○ درست است. با گنجاندن نظرات اصلاحی، ترجمه و چاپ انجام می گیرد. خوب است همین جا اشاره کنم، تفسیر تسنیم در سال ۱۳۸۵ که سال پیامبر اعظم (ص) بود، از طرف «سازمان علمی و فرهنگی» وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی وقت (آی‌سسکو) و «سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی» به عنوان تحقیق برتر شناخته شد که مایه فخر و مباهات ما ایرانیان است. آی‌سسکو به حضرت استاد تقدیرنامه‌ای اعطا کرد. در محافل علمی هم گفته می شود که

تولید علم یعنی تفسیر تسنیم که مایه فخر حوزه‌های علمیه و جمهوری اسلامی ایران است که چنین نیروهایی دارند.

● این تفسیر همان طور که آغازی داشته است، باید پایانی هم داشته باشد. قرار است سرانجام در چند جلد تدوین شود؟

○ براساس آیات شریفه و حجم مطالبی که همراه با محور اصلی ذیل آیات می‌آید، تخمین زده می‌شود که بالغ بر هفتاد هشتاد جلد خواهد شد. البته این برآورد براساس مقتضیات کنونی است و باید دید چه پیش می‌آید.

تعداد مجلات این تفسیر تا پایان «سوره اعراف» (سوره هفتم قرآن کریم) ۳۱ جلد شده است. در عموم تفاسیر، ثقل اصلی مطالب در سوره‌های نخستین متمرکز می‌شود و در تفسیر سوره‌های بعدی، بیشتر به همین بخش‌های اصلی ارجاع می‌دهند که سبب کاهش حجم تفسیر در سوره‌های بعدی می‌شود تاکنون ۲۸ جلد چاپ و منتشر شده است. جلد بیست‌وهشتم جلد دوم از تفسیر سوره اعراف است. جلد بیست‌ونهم زیر چاپ است و به‌زودی کار چاپ آن پایان می‌یابد.

● باتوجه به فرمایش حضرت عالی می‌توان گفت تفسیر تسنیم، تفسیر المیزان با شرح و بسط گسترده‌تری است؟  
○ می‌شود گفت همان تفسیر است اما اضافاتی هم دارد که از جمله پرداختن به شبهات روز است. بدیهی است در زمان نگارش المیزان این شبهه‌ها مطرح نبوده‌اند. اما اکنون که مطرح‌اند باید در تفسیر تسنیم آن‌ها را آورد و پاسخ داد.

● نوآوری‌های تفسیر آیت‌الله جوادی آملی نسبت به تفاسیر گذشته چیست؟

○ می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- تفکیک آیات از یکدیگر نوآوری است.

- ذیل هر آیه مطالب به این صورت تدوین شده‌اند.

گزیده تفسیر، مفردات آیه، تفسیر آیه، لطایف و اشارات ذیل آیه و بحث روایی که همه از هم تفکیک شده‌اند. تفسیر المیزان چنین تفکیکی ندارد. آنجا که مخاطبان عموم مردم‌اند، در عنوان تفسیر آمده است و هر مورد از هر تفسیر ممکن است دارای چند عنوان فرعی زیر عنوان اصلی تفسیر آیه داشته باشد.

● این نوآوری را می‌توان در روش کار قرار داد که به ساختار تدوین بازمی‌گردد. آیا از بُعد محتوایی غیر از آنچه ذیل عنوان «لطایف و اشارات» فرمودید، نوآوری دیده می‌شود؟  
○ مباحث کلانی که ذیل برخی از آیات مطرح شده‌اند،

به صورت یک بحث کلان موضوعی در تفسیر تسنیم آمده‌اند. یعنی این تفسیر، هم تفسیر ترتیبی است. و هم به یک معنا تفسیر موضوعی است. برای مثال، اگر در جایی موضوع «خلود» مطرح شده، ضمن اینکه به‌طور کلان به خلود پرداخته، مباحث ذیل مبحث خلود نیز مطرح و شبهات مربوط به خلود هم بررسی شده است. یا اگر درباره ماه رمضان بحث کلان می‌شود، بحث‌های فقهی، علمی و بحث‌های مختلف اجتماعی نیز می‌آید که می‌توان آن را بحث و تفسیر موضوعی دانست. موارد زیادی از این مشخصه قابلیت استخراج دارند.

● آیا از فضای مجازی هم استفاده می‌کنید؟ آیا تفسیر تسنیم در فضای مجازی و در اینترنت در دسترس است؟  
○ این مرکز سایتی دارد و درس‌های تفسیر در این فضا قرار می‌گیرند.

● آیا این کار بعد از تنظیم و تدوین انجام می‌شود؟

○ نه، فقط متن درس‌هایی که حضرت استاد در جلسه عمومی و به‌صورت شفاهی بیان می‌کنند هم به‌صورت صوت و هم به صورت متن پیاده شده از نوار در سایت قرار می‌گیرند. قابلیت بهره‌گیری هم برای همگان فراهم است. مراجعان می‌توانند پرسش‌های خود را در همین فضا بگذارند و ما به آنان پاسخ می‌دهیم.

● از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید، متشکریم. اگر توصیه‌ای دارید، بفرمایید.

○ یکی از سفارشات مکرر حضرت استاد جوادی آملی این است که رویکرد ما به قرآن باید بیشتر از آنچه تاکنون هست، باشد. زیرا قرآن باید کتاب زندگی ما باشد و ما برنامه‌های زندگی خود را باید از قرآن استخراج کنیم. نباید تمام توجه ما منحصر به تلاوت شود. ضمن توجه به معارف قرآنی، باید به عمل کردن به مطالب آن اهمیت داد. ما وظیفه آشنا کردن دیگران با این معارف را داریم و موظفیم قرآن را از مهجوریت درآوریم.

ما معتقدان به مذهب شیعه ضروری است که بیش از معتقدان به مذاهب دیگر به قرآن توجه و عمل کنیم. این توجه باید شامل رجوع و عنایت به عترت هم بشود. زیرا پیغمبر اکرم(ص) دو چیز را برای ما به امانت گذاشته‌اند: «آئی تارکم فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی»: اول قرآن، دوم عترت. این سفارش حضرت استاد و سفارش همه کسانی است که با قرآن انس دارند.

